

رفتارهای وحدت گرایانه در آموزه‌های قرآن کریم با تأکید بر عبادات جمعی

رفتارهای وحدت گرایانه در آموزه‌های قرآن کریم با تأکید بر عبادات جمعی

سیده منوره شاسته خوی

مدیر مدرسه علمیه نرجس-3 مشهد

چکیده

موضوع مقاله رفتارهای وحدت‌گرایانه در آموزه‌های قرآن کریم است. شروع استعمار نوین و طرح جدید تقسیم کشورهای اسلامی از سوی غرب و مصادره بیداری‌های اسلامی و ادامه اشغال فلسطین و تهاجم فرهنگی و هزاران مشکلی که از سوی حاکمان استکبار جهانی و کفر بر جوامع اسلامی پیش آمده، ضرورت حیاتی وحدت مسلمین را نشان می‌دهد و راه‌کارها زمینه‌هایی برای این کار باید اندیشید که بحمد الله قرآن کریم آموزه‌های کاربردی و سازنده‌ای در این زمینه دارد. لذا بر آن شدیم که این موضوع را مورد پژوهش قرار دهیم.

وحدت به معنای یکی شدن و یکپارچگی در اعتماد به جبل الله و احساس اخوت دینی مسلمانان جهان است و عملکردی که به وحدت بیانجامد رفتاری وحدت‌گرایانه خوانده می‌شود. قرآن کریم بر وحدت اسلامی تأکید بسیار دارد و بدین منظور چگونگی وحدت را به مسلمانان آموخته می‌دهد. بخشی از این آموزه‌ها مربوط

به فرهنگ رفتاری است که باید در هر سه جانب ارتباط با خدا، خود و جامعه نمودار گردد؛ مانند دعاها، تعمیم دعای خیر چون: درخواست آمرزش، دفع بلا و... دلی پاک از کینه و عداوت، و نیز عبادات جمعی چون: نماز جماعت، جموعه، اعياد، عبادات همزمان چون حج و روزه رمضان، و رفتار با خود که همان تهذیب نفس در دو جانب: پرهیز از رذایل اخلاقی‌ای که باعث قطع روابط اجتماعی می‌گردد؛ چون: حسادت، بدگمانی، استهزاء، غیبت، خیانت، پیمان‌شکنی، بخل ... و در مقابل آراستگی به کمالات اخلاقی‌ای که پیوندهای اجتماعی را تقویت می‌کند مانند: خیرخواهی، حسن طن، مهروزی، صداقت، امانت‌داری، وفای به عهد و رفتارها یی که در جامعه منتهی به وحدت می‌شوند عبارتند از: تعاون، نظارت اجتماعی، عدالت اجتماعی، پرهیز از نزاع و درگیری، رسیدگی به نیازمندان، پیشگیری از جنگ و دشمنی، اطاعت از رهبری، موضع مشترک و قاطع در برابر دشمن، صلح میان اقوام درگیر، پیوند برادری و... .

مقاله حاضر که در موضوع خود بدیع است تلاش دارد با روش توصیفی و تحلیلی ضمن تأکید بر قرآن و بهره‌مندی از تفاسیر و منابع حدیثی رفتارهای وحدت‌گرا یا نه را برشمرد و با نگاه به چالش‌های فراروی وحدت جوامع کنونی مسلمان، سعی بر کاربردی کردن موضوع دارد.

وازگان کلیدی: وحدت اسلامی، رفتار وحدت گرایانه، قرآن کریم، عبادت، اخلاق اجتماعی، روابط اجتماعی

مقدمه

وحدة اسم مصدر از ریشه (وحد) است. (وحَدَ يَحْدُ وَحَدَه) تک و تنها شدن و در باب افعال (اتحاد)، اتحدت الاشياء: یکی شدن چند چیز است: وحدت در اصطلاح سیاسی به معنای یکی شدن دو با چند دولت در جوانب گوناگون نظام سیاسی، اقتصادی و ... است.^[1] وحدت انسان‌ها در قرآن کریم به معنای اشتراك مردم در نوع انسان و یکی شدن همه یا گروهی از مردم در اعتقادات حق یا باطل یا ساخت فطري و بدون اعتقاد است و در نه آیه از «امت واحده» سخن به میان آمده است: که بنا بر تفسیر مجمع البيان و... دو آیه منظور از امت واحده دین اسلام است؛ یعنی دینی که همه پیامبران بر پذیرش آن وحدت نظری داشته‌اند: «ان۝- هذه امتك امه واحده و أنا ربكم فاعبدون» همانا این دین شما دینی واحد است و من پروردگار تان هستم پس مرا بپرستید.^[2] و در آیه دیگر «فاتّقون»^[3] آمده است.^[4]

وحدة پیامبران بر اعتقادات توحیدی اسلام به عنوان برترین الگوی اعتقادی راستین و حق است که ضروري

است همه مردم جهان آن را بپذیرند تا اعتقاد توحیدی، عبادت خدا و پرهیزگاری جهانی شود و این اشتراکات اعتقادی مبنای اخوت و برادری آنان گردد چرا که قرآن کریم اصحاب پیامبر را به مهر ورزی با یکدیگر توصیف می‌کند و مؤمنان را برادر می‌شمارد. اما تا رسیدن به این آرمان که مطابق اعتقادات اسلامی در زمان ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) محقق می‌شود باید زمینه آن فراهم گردد و راهکارهای ایجاد وحدت اسلامی باید تقویت و عملی گردند که از جمله آن‌ها، پاسداری از اعتقادات مشترکه مسلمانان جهان و ایجاد اخوت و مودت میان آنان با استفاده از آموزه‌های وحدت‌گرایانه قرآن کریم است.

بدون شک مسلمانان علی رغم تفاوت‌های مذهبی(فرقه‌ای) اجتماعی، فرهنگی بومی، سیاسی، نژادی، زبان، خط و ... اما همه در اصول اعتقادی: توحید، نبوت و معاد و ضرورت‌های دینی در جوانب عبادی، اخلاقی و اجتماعی مانند نماز، روزه ماه رمضان، حج بیت‌الله زکات، امر به معروف و نهی از منکر، اخلاق فردی و اجتماعی اسلامی به خصوص حجاب و عفت، وفای به عهد، تعاون و ... مشترکند.

اما متأسفاً نه در عصر حاضر مسلمانان تحت تأثیر عوامل گوناگونی چون تهاجم فرهنگی و سیاسی غرب، تعصبات فرقه‌ای و انحرافات فکری از این اشتراکات غافل مانده‌اند و با پر رنگ کردن تفاوت‌ها، دچار پراکندگی و چند دستگی شده‌اند. این در حالی است که قرآن کریم با روش‌های گوناگونی بر رفتارهای وحدت‌گرایانه تأکید می‌کند. در مقاله حاضر این شیوه‌ها در سه حوزه ارتباط با خدا، خود و جامعه به تصویر کشیده شده‌اند.

الف- نقش ارتباط با خدا در وحدت

پیوند با حضرت دوست هدف زندگی انسان است و بدون آن زندگی بی‌معنا و چراغاه شیطان می‌گردد، چرا که این ارتباط هدف آفرینش همه انسان‌هاست. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَ مَا خَلْقَتِ الْجِنُّ إِلَّا لِيَعْبُدُون»[5] عبادت در قالب اعمال متنوعی چون دعا و مناجات، ذکر، تلاوت قرآن، نماز، روزه، حج و عمره، اعتکاف، قربانی و خلاصه هر عملی که مشروط به نیت تقرب به خدا باشد، انجام گیرد و از این میان عبادت جمعی تأثیرگذارترند.

الف) ارتباط با خدا

عبادات چه واجب و چه مستحب عمل مشترک همه مسلمین است و از این جهت عامل وحدت آن‌ها به شمار می‌آید؛ اما اگر به صورت جمعی یا در محل مشترک و ویژه گرد همایی مسلمین انجام شود وحدت آنان را عملی می‌سازد. (امام خمینی(ره) درباره تأثیر وحدت آفرین عبادات جمعی فرمودند: «جهات سیاسی زیادی در اجتماعات و جماعات و جمیع اجتماعات و خصوصاً اجتماع گرانبهای حج می‌باشد». [6] عبادات جمعی مورد تأکید و توجه قرآن کریم و سنت معمومین(علیهم السلام) بوده است که برای نمونه آیاتی را نقل می‌کنیم.

نمایه‌های جماعت

۱-۱- نماز جماعت یومیه

نمای عبادتی همیشگی و با ماهیتی جمعی است حتی اگر فرادا خوانده شود؛ چرا که نمازگزار رو به قبله مشترک می‌کند و بر اصول اعتقادی مشترک تأکید می‌کند و با تلاوت سوره فاتحه که بخش واجب هر نماز است همه مومنان را مورد توجه قرار می‌دهد و همبستگی خود را در استقامت بر صراط مستقیم و برائت از ضالین و مغضوبین (يهود و نصاری) اعلام می‌دارد و با سلام آخر محبت خود را به آنان ابراز می‌دارد.

اما اگر به جماعت و به خصوص در مسجد خوانده شود ماهیت جمعی آن از قوه به فعل و از نظری به عملی تحول می‌پرسد.

نمای جماعت فرمان خدا به پیروان ادیان توحیدی است که به مریم بنت عمران فرمود: «يا مریم اقدُّتی لربّک و اسجُّدُتی و ارکَعَتی مَعَ الرَّاكِعَيْنَ»[7] خداوند پس از دعوت بنی اسرائیل به ایمان به قرآن، فرمان می‌دهد تا در نماز جماعت شرکت کنند: «و أقيموا الصّلوه و آتوا الزّکوه و ارکَعُوا مع الرَّاكِعَيْنَ»[8] فقهای فریقین هم به استناد آیه اخیر به استحباب نماز جماعت فتوای داده‌اند. [9] امام خمینی(ره) آن را مستحب موکد و از عوامل وحدت به شمار آورده‌اند. [10]

هسته امت اسلامی با نخستین نماز جماعت سه نفره نبی اکرم(ص)، علی بن ابیطالب(علیه السلام) و خدیجه کبری(علیها السلام) شکل گرفت و مخالفت مشرکان با اسلام از همینجا آغاز شد.

نماز جماعت، خود نوعی تمرین بر وحدت قولی و فعلی و پیروی از رهبر واحد است،^{۱۰} اعتقاد توحیدی و آوازه اسلام را جهانی می‌سازد و هیچ عذری برای مردم جهان در اعراض از توحید باقی نمی‌گذارد و روحیه تعاون و همیاری در امور نیک را تقویت می‌کند. امام رضا (علیه السلام) با اشاره به این فلسفه فرمودند: «انما جعلت الجماعه لثلا يكون الإخلاص والتوحيد والاسلام والعباده الا ظاهرا مكتشوفا مشهورا لأن في اظهاره حجه على اهل الشرق والغرب وحده ليكون المتفق والمستحب مودياً لما أقربه يظهر الاسلام والمرافقه ليكون شهادات الناس بالإسلام بعضهم لبعض جائزه ممكنته مع ما فيه من المساعده علي البر و التقوى والزجر عن كثير من معاصي الله عزوجل»^[۱۱]

در مقابل ترك بدون عذر نماز جماعت و عدم حضور در مسجد به منزله ترك نماز تلقی شده است.

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «لا صلوه لمن لا يصلّي في المسجد مع المسلمين الا من عليه»^[۱۲] و امام صادق(علیه السلام) آن را به منزله خروج از ایمان دانسته‌اند: «من خلع جماعه المسلمين خلع ربهم الایمان من عنقه»^[۱۳] از دیدگاه نبی اکرم(ص) تارک مسجد و نماز جماعت حرامتی ندارد مگر به جماعت مومنین باز گردد: «لا غیبه لمن صلی في بيته و رغب عن جماعتنا و من رغب عن جماعه المسلمين وجب على المسلمين غیبته و سقطت بينهم عدالته و وجہ هجرانه و إذا رفع الي امام المسلمين أنذره و حذره فإن حضر جماعه المسلمين و الا أحرق عليه بيته»^[۱۴]

علی رغم فاصله گرفتن اکثر قریب به اتفاق امت اسلام از منابع دانش رسول خدا(ص) و مفسران حقيقی قرآن عترت رسول(ص) که پیامدهای ناخوشائی علمی و تاریخی و مذهبی بسیاری به بار آورده و باعث تفرق مسلمین شده است؛ اما اهل بیت طهارت(ع) همواره شیعیان را از باب تقیه مداراتی یا خوفی به شرکت در نماز جماعت و سایر شرکت‌های اجتماعی فرا می‌خوانند.^[۱۵] و چنین نمازگزاری را چون رزمنده در حال آماده باش در صف اول جنگ دانسته‌اند. امام صادق(علیه السلام) به اسحاق بن عمار فرمودند: «صلّ معهم فإنَّ المصلّي معهم في الوصف الاول كالشهر سيفه في سبيل الله»^[۱۶]

۱-۲- نماز جمعه

نماز جمعه که ماهیت و صورتی جمعی دارد، به استناد قرآن واجب است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ جَمِيعُهُمْ فَاسْعُوْا إِلَيْهَا ذَكْرًا وَ ذُرُوْبَ الْبَيْعِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^[۱۷] فقهای فریقین نیز جدای از اختلاف در فروعات آن اجماعاً به استناد آیه فوق و سنت نبوی آن را واجب می‌دانند.^[۱۸]

این نماز نظر به وجوب دو خطبه‌ای آن که مشتمل بر انذار و تبیه[19] و بیان مشکلات جامعه اسلامی و ارائه راه حل‌هاست نقش بارزتری در وقت دارد.

محتوای خطبه عوامل اعتقادی و اخلاقی وقت مسلمانان جهان را که توحید، نبوت و تهذیب نفس و تقواست تقویت و زنده نگاه می‌دارد. خطیب پس از حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت او مردم را با عنوان بندگان خدا خطاب و به تقوا و اطاعت از فرامین او فرا می‌خواند و پس از آن باید به مسائل و مشکلات روز جامعه خود و نیز جهان اسلام بپردازد. امام خمینی(ره) درباره محتوای خطبه‌ها نماز جمعه فرمودند: «مردم را به خطبه‌های نماز به وظایف خطیری که دارند آشنا سازید و از توطئه‌های دشمنان اسلام و مملکت آگاه کنید و به اتحاد و وقت کار دعوت نمایید.»[20]

در زمان ما که استعمار نوین غرب با حمایت از نظریه پردازان ملحد امپریالیسم خود چون برنارد لوئیس اقدام به تسلط جدید خود بر مسلمانان کرده است. اهمیت تحول در خطبه‌های نماز جمعه آشکار شده است چرا که این نظریه پرداز ملحد مسلمانان را مردمی وحشی و بی فرهنگ و غیر قابل تأدیب معرفی کرده و طرح تقسیم خاورمیانه و شمال آفریقا را به چندین کشور یک میلیون نفری ریخته تا غرب بتواند با تسلط بیشتر بر آنان به مسخ فرهنگی شان بپردازد.[21] سیاستمداران جهان خوار غرب با ایزار جنگی و بیانیه‌های بین‌المللی خودساخته چون حقوق بشر و با کمک احزاب مسلمان و غیرمسلمان وابسته و رؤسای حکومت‌های دست نشانده اقدام به اجرای آن طرح شوم کرده و با طرق گوناگون چون سرکوب و مصادره بیداری اسلامی کشورها، ترویج دموکراسی، آزادی با تعریف غربی و بر مبانی لائیک و... انتخابات مردمی را در جهت تجزیه کشور خود سوق می‌دهد که اخیراً شاهد تقسیم یک کشور مسلمان بودیم.

ائمه جمعه و جماعات باید با بیدار ساختن مردم و آگاه کردن آنان از اهداف شوم غرب، در جهت ایجاد وقت مذهبی و سیاسی سوق دهند. این مراسم عبادی باید از طریق رسانه‌ها ترویج و با شرکت هر چه بیشتر مردم با شکوه گردند.

1-3- نماز اعیاد و نقش عید

نماز جمعی دیگر، نماز عید فطر و قربان است که به استناد سنت نبی(ص) واجب یا مستحب موکد است. در دو خطبه هر نماز طرح موضوعات روز جهان اسلام و ایجاد وقت ضروری است. این علاوه بر نقش وقت ساز خود روزهای عید است که در آن‌ها با ذکر تکبیر و حمد و شکر بر اعتقاد توحیدی تأکید می‌شود. قرآن کریم درباره ذکر روز عید فطر می‌فرماید: «و لتكملوا العده ولتكبروا إِنَّ عَلِيٌّ مَا هَدَاكُم»[22] درباره

ذکر روز عید قربان نیز می‌فرماید: «کذلک سخراه لکم و لتكبروا اٰ علی ما هداکم»[23] تکبیر مسلمین در این روزها اظهار شادی و رضایت جمعی از خداوند بر هدایت به شریعت اسلام است.

مقام معظم رهبری آیت اٰ خامنه‌ای(ره) درباره نقش اعیاد اسلامی می‌فرماید: «عید اسلامی دو جهت دارد که یک جهت آن توجه به خدا و معنویت و دیگر جهتش، تجمع همه مسلمین حول یک محور واحد است»[24]

وجه دیگر وحدت در این دو عید، وجه تعاون اقتصادی است چرا که در هر دو کمک‌ها و کرامات‌های اقتصادی برای ارتقای زندگی مستمندان و تکریم همگان با پرداخت زکات فطره و توزیع گوشت قربانی وجود دارد؛ چنان که قرآن کریم درباره قربانی می‌فرماید:

«فَكُلُوا مِنْهَا وَ أَطْعُمُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَ»[25] زکات فطره چه به معنای پاک سازی بدن باشد چه به معنای عامل رشد بدن، گرایش به وحدت را تقویت می‌کند؛ زیرا روزه دار پس از یک ماه تحمل گرسنگی و نحیف کردن بدن خود و نیز تمرین حس همدردی با مستمندان در روز عید عامل رشد بدن خود را در نمو بدن فقرا می‌بیند نه با پرخوری بیشتر؛ و در تفسیر دوم روزه دار پس از یک ماه تمرین تقوا و طهارت روح با پرداخت زکات فطره آخرين مرحله پاکی را در احساس مسئولیت نسبت به فقرا می‌جويد.

عبادات همزمان

۱- عبادات ماه رمضان

قرآن کریم به سه عامل وحدت در ما ه رمضا اشاره دارد: روزه، نزول قرآن و شب قدر. در آیه 185 سوره بقره می‌فرماید: «شہر رمضاں الذین انزل فیه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان» فمن شهد منکم الشہر فلیصمه. و در سوره قدر می‌فرماید: «اَنَا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا اُدْرِكَ مَا لِيْلَةُ الْقَدْرِ لِيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ الْفَشَرِ تَنْزَلُ الْمَلَائِكَهُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ اَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعَ الْفَجْرِ»

روزه ماه رمضان به اجماع فقهای فرقین واجب و ضروری دین است. و فلسفه وجوب آن تقوا و نیز ایجاد احساس گرسنگی مشترک میان فقیر و غنی و در نتیجه انگیزش حس مسئولیت اجتماعی در طبقه غنی است. امام

صادق(عليه السلام) فلسفه مساوات را در روزه چنین می‌فرماید: «انما فرض اه الصیام لیستوی به الغنی و الفقیر»[26]

عامل دوم وحدت، قرآن کریم است که به اعتقاد مفسران فریقین نزول دفعی و مجموع قرآن در شب قدر واقع شده است[27] و هیج مسلمانی شک ندارد که کتاب قرآن منشور هدایت و سعادت همه مردم جهان است. «هدی للناس» قرآن نه تنها خود، عامل وحدت بلکه راهکارها و زمینه‌های ایجاد وحدت اسلامی را ارائه می‌کند. «و بینات من الهدی و الفرقان» قرآن فارق میان دو چیز حق و باطل است. اسلام حق و کفر، باطل است: «ان الدین عند الله الاسلام و ما اختلف الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغياناً بينهم و من يكفر بآيات الله فان الله سريع الحساب»[28]

عامل سوم وحدت، شب قدر است. همه مسلمین بر عظمت شب قدر و فرصت استثنای آن آگاهند و جدای از اختلافات فرعی در تعیین زمان آن بین شب‌های 21 و 23 که اغلب عقیده شیعه بر آن است و نیز شب 27 که به اعتقاد اهل سنت است.[29] در اصل وجود آن اختلافی نیست. البته طبق روایات شیعه زمان دقیق آن، مجهول است تا شب‌های بیشتری از این ماه به تهجد بگذرد و بر اساس روایتی هر شب ماه رمضان احتمال دارد شب قدر باشد و نیز به استناد برخی روایات شیعی، شب 27 و 30 ماه رمضان عظمت شب قدر را دارد. [30]

بنابراین پیروان هر دو فرقه سنی و شیعه می‌توانند به امید نیل به فیض شب قدر هر سه شب 21 و 23 و 27 را به تهجد بگذرانند و مجالس احیا را مشترک برگزار کرده و ادعیه‌ای چون قرآن بر سر گرفتن، مجیر، جوشن کبیر و ... به طور جمعی زمزمه کنند.

رفتارهای وحدت‌گرا یا نهایی که در خطبه شعبانیه نبی اکرم(ص) در خصوص ماه مبارک رمضان بیان شده چون تلاوت قرآن، کمک به مستمندان، تحسین تعاولات اجتماعی، اطعام، نمازهای مستحب و ... همه مورد تأیید فریقین بوده و بحمد الله روسا و رهبران کشورهای اسلامی در آستانه ماه رمضان از طریق رسانه‌های صدا و سیما آن را برای مردم خود نقل می‌کنند و با این کار تصویر واحدی از این کشورها به جهان منعکس می‌شود.

موضوعی که به ظاهر از عوامل تفرقه افکن به شمار آمده شروع و پایان این ماه مبارک است که غالباً کشورهای سنتی مذهب یا شیعی در این موضوع هماهنگ نیستند. به این دلیل برخی از طرفداران تقریب مذاهب تلاش در ایجاد این هماهنگی و نیز زمان آغاز ماه‌های حج (به ویژه ذی‌الحجہ) کرده‌اند و بسیاری از علماء بر این موضوع تأکید دارند. به این دلیل موضوع دقت در استهلال به ویژه در این دو ماه کرده‌اند.

پاسخ به شبهم

در رد این شبهم و نفي ضرورت دقت در استهلال باید گفت: اولاً تفاوت دیدگاه افراد در ثبوت اول ماه منافقاتی با وحدت ندارد تا چه رسد به تفاوت دیدگاه کشورها یا جوامع بزرگ؛ زیرا به دلیل عقل اختلاف یک یا دو روز آسيبی به اشتراك 27 روزه نمي‌رساند. قرآن کريم نيز ثبوت اول ماه را بر عهد فرد نهاده و اصراري بر استهلال و لزوم ثبوت آن از دیدگاه جمع نکرده است؛ زیرا مي‌فرماید: «فمن شهد منکم الشهير فليصممه» هر کس از شما که هلال ماه را دید پس آن ماه را روزه بگيرد. بنا بر اين نگاه ساده و با چشم غير مسلح به غرب آسمان کافي است و اگر واقعاً اول ماه باشد هلال غالباً دیده ميشود.

در خصوص عدم وجوب هماهنگی در ثبوت اول ماه ذی‌الحجہ باید گفت مشکل هماهنگی و وحدت زمانی در انجام مناسک حج با فتوای فقیهان شیعه به تقيه مداراً تی حل شده است.

در پایان این شبهم دیدگاه مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای را در تأیید پاسخمن نقل می‌کنیم.
ایشان در خصوص عید فطر فرمودند:

«عید اسلامی برای زنده کردن احساس وحدت در بین مسلمان‌هاست. شما ملاحظه کنید! امروزه برای بیش از یک میلیارد انسان روز عید است. البته اختلاف افق امروز یا دیروز در تعیین روز اول شوال اهمیتی ندارد. در بعضی کشورها دیروز عید بود و در بعضی کشورها امروز. آیا این مسئله‌ای کوچک و بی‌اهمیتی است که جمع کثیری از یک میلیارد نفر در این روز در مراسم نماز شرکت می‌کنند. نماز واحدی را به سمت قبله واحد، با آداب واحد و با مضمون واحد به جا می‌آورند؟ این موضوع، خيلي عظيم است. [31]

از جمله رفتارهای عبادی وحدت‌گرا، اعتکاف است. از جمله اوامر خدا به بانیان کعبه ابراهیم و اسماعیل (ع) تطهیر بیت برای طائفان نمازگزاران و معتکفان است: «وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَ رَبِّي الظَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرَّكُوعَ السَّجُودَ» [32]

به اجماع فقهای فریقین، اعتکاف از مستحبات و در دهه آخر ماه رمضان و به استناد سنت نبوی (ص) تأکید بیشتری دارد. اعتکاف به معنای لبث و ماندن در از مردمت برای عبادت است. [33] که دارای دو رکن است: ۱- ماندن در مسجد جامع یا جماعت. ۲- روزه گرفتن [34]

و از نظر زمان لبث از حداقل یک لحظه تا یک شب‌نه روز، به اجماع فقهای فریقین است. [35] بدیهی است که ماندن یک لحظه بر خلاف تعریف لغوی و مشهور فقهاست.

این عمل عبادی اگر چه فردی و بدون زمان خاص است اما با سازماندهی و برنامه‌ریزی و تبعیت از سنت نبوی (ص) قابل تبدیل به صورت جمعی است. بحمد الله در جمهوری اسلامی ایران بیش از بیست سال است که مورد توجه مسئولان فرهنگی و اقبال رقا بت آمیز عموم مردم به خصوص جوانان تحصیل کرده اعم از دانش آموزان و دانشجویان و طلاب حوزه‌های علمیه قرار گرفته است. این شاخص تا حدی پیش‌رفته که ظرفیت مساجد جامع کشور جوابگوی داوطلبان نیست و فقها را به دقت و تفکه بیشتر در ادله شرایط اعتکاف و ادار کرده است. توسعه فتاوایی در باب اعتکاف و آمارهای مسئولان فرهنگی و اجتماعی بهترین شاهد بر مدعاست. علت این اقبال، تأثیر این عمل عبادی در همگرایی و الفت قلوب، افزایش بصیرت و بالا بردن سطح معارف دینی، احساس عمیق تقرب به خدا، تهذیب اخلاق و سبکی و رشد روح، آرامش روانی سالم نه از نوع عرفان‌های کاذب و ... بیان شده است. [36] که این آثار جوانب وحدت‌گرایی این عمل عبادی عرفانی را ثابت می‌کند.

مهم‌ترین اثر وحدت‌گرا و در واقع حقیقت‌گرا، کمال انقطاع‌الیه [37] با بریدن هرگونه تعلق از امور دنیوی (لذت بطن تا حد ممکن، لذت فرج (به طور مطلق)، معاملات، تفاخر و مراء، و اقبال تام به حضرت حق در مدت لبث است. این امر رکن وحدت اسلامی یعنی اعتقاد توحیدی را مستحکم و به تبع آن تعاملات اجتماعی و اخوت را تعدیل و توسعه می‌بخشد و به دلیل اشتراک بعضی احکام اعتکاف، حج و عمره، معتکفان را برای مناسک حج و عمره آماده می‌کند تا در آنجا وحدت جهانی مسلمین را به تصویر بکشد.

حج قصد زیارت خانه خدا، کعبه مکرمه است که وحدت فیزیکی و معنوی مسلمانان جهان اسلام را به تصویر می‌کشد. به اجماع فقهای فرقین حج از ضروریات بلکه از اركان دین اسلام به شمار می‌آید. [38]

این اجماع به استناد نص قرآن «و علی الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا»[39] است. این عمل عبادی که مجموعه‌ای از مناسک است در طی چند روز معین و در سال یک مرتبه با حضور مسلمانان از سراسر عالم و از هر فرقه و مذهبی انجام می‌گیرد. فرصتی استثنایی برای تجربه وحدت جهان اسلام و آگاهی از مشکلات امت اسلامی و چاره اندیشی برای حل آن‌هاست. قرآن کریم حج را فرصتی برای دستیابی به منافع و مصالح معرفی کرده است. خداوند پس از فرمان دادن به ابراهیم مبنی بر فراخوان عمومی حج علی این دعوت را چنین بیان کرد: «لیشهدوا منافع لهم و ...»[40] تا شاهد سودها بی برای خود شوند. کلمه «منافع» عام و مطلق است. [41] و منافع دنیوی و اخروی را شامل است. [42] و شامل انواع منافع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... می‌شود. [43] امام صادق(ع) در پاسخ به پرسش هشام بن حکم درباره فلسفه حج به مصالح و منافع آن این گونه اشاره می‌کنند:

«و أمرهم بما يكون من أمر الطاعه في الدين و مصلحتهم من أمر دنياهم، فجعل فيه الاجتماع من الشرف والغرب ليتعارفوا و لينزع كل قوم من التجارات من بلد الي بلد، و لينتفع بذلك المكارى و الجمال ولتعرف آثار

رسول الله(ص) و تعرف أخباره و يذكره و لاينسى و لو كان كل قوم إنما يتكلمون علي بلاءهم و ما فيها هلكوا و خوبت البلاد و سقطت الجلب و الأرباح و عميت الأخبار و لم تقروا علي ذلك فذلك علمه الحج»[44]
این فواید و نیز فواید معنوی در حدیثی از امام رضا(ع) نیز نقل شده است.

طرح کردن معارف اسلامی، موضوعات اجتماعی و حتی سیاسی در حج، در سیره نبی اکرم(ص)، اهل بیت(ع) و صحابه و تابعین بسیار دیده می‌شود. بیا مبر اکرم(ص) از موسم حج بیشترین استفاده را در تبلیغ دین اسلام کرد و پیمانهای عقبه اول و دوم و تشکیل هسته اولیه انصار در موسم حج پیش آمد، در عمره القضا قدرت و سطوت سپاهیان اسلام را با فرمان کشف از بازویان اصحاب و رمل[45] در طواف نشان داد، در حجه الوداع خطبه‌ای که به منزله اولتیماتوم و سخن پایانی در نفي بازمانده‌های فرهنگ و عصیت‌های جاہلی در افکار تازه مسلمانان و تکمیل حلال و حرام خدا به اضافه نصب علی بن ابی‌طالب به امارت مؤمنان و جانشینی خود در چند ماهی مکه، سخنرانی عزای سید الشهداء امام ابی‌عبدالله الحسین در جمع صحابه و تابعین در منی درباره افسای چهره نابکار یزید بن معاویه و درخواست قیام از آنان، قیام‌های دیگری که اگرچه از نظر شیعه باطلند اما برخی صحابه و تابعین از مسجدالحرام آغاز شد چون

با توجه با اطلاق منافع و دیدگاه‌های تفسیر مشهور و احادیث معتبر و سیره پیامبر(ص)، ائمه و صحابه و تابعان می‌توان گفت: طرح مسائل و مشکلات جهان اسلام، در موسم حج منع شرعی ندارد و بدعت به شمار نمی‌آید به این دلیل برخلاف توهمندی و هابیان حاکم بر حرمین مدینه و مکه راهپیمایی و تجمع برائت از مشرکین شیعیان نه تنها بدعت نیست، بلکه سنت حسن‌لای است که امید آن می‌رود که وحدت جهان اسلام را ضد کفر و استعمار ابرقدرت‌های شرق و غرب محقق سازد.

امام خمینی یکی از مصادیق «منافع حج» را منافع مستضعفان جهان معرفی کرد[46] و می‌فرمایند: «مسلمانان در مواقف و مراسم این عبادت که یکی از مقاصد بزرگ آن، اجتماع مسلمین از تمام بقاع زمین برای منافع مستضعفان جهان است و کدام نفع بالاتر از کوتاه کردن دست جهانخواران از ممالک اسلامی است»

پیشینه فریاد برائت از کفر و شرک در موسم حج به زبان نزول وحی و آیه: «وَ أَذَّانُ مَنِ اللَّهُ
وَ رَسُولُهُ إِلَي النَّاسِ يَوْمَ الْحِجَّةِ أَلَا كُبَرَ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ
الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ»[47] که امیرمؤمنان علی(علیهم السلام) به فرمان رسول خدا (صلی الله علیه وآل‌ه) سوره توبه را در سال 9 هجری در روز عید قربان در حضور مؤمنان و مشرکان خواند و به موجب این فرمان هرگونه تعهد و تولی پیامبر(صلی الله علیه وآل‌ه) و مسلمانان با مشرکان برچیده شد. [48]

در زمان حاضر که متأسفانه بسیاری از دولتهای جوامع اسلامیتعهداً تی را با ابرقدرت‌ها به ویژه‌آمریکا و انگلیس مبني بر عدم دخالت در امور فلسطین یا پایه‌بندی به نظام‌های لائیک و بیانیه‌های کفرآمیز بین‌المللی دارند ملت‌ها باید با ابراز مخالفت با این تعهدات، حساب خود را از دولتهای وابسته جدا کنند و با شرکت در راهپیمایی برائت از مشرکین به صورت یکپارچه بیزاری خود را از این تعهدات ابراز کنند. از دیدگاه امام خمینی این فریاد عام وحدت جهان اسلام است لذا همه ساله به آن توصیه می‌کردند: «مسلمانان حاضر در مواقف کریمه، از هر ملت و مذهب که هستند باید به خوبی بدانند که دشمن اصلی اسلام و قرآن و پیامبر عظیم‌اللہ‌لشأ (صلی الله علیه وآل‌ه) ابرقدرت‌ها خصوصاً آمریکا و ولیده فاسدش اسرائیل است که چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته و برای چراول مخازن عظیم زیرزمینی و روی زمینی این کشورها از هیچ جنایت و توطئه‌ای دست بردار نیستند و رمز موفقیت آنان در این توطئه شیطانی تفرقه انداختن بین مسلمانان، به هر شکل که بتوانند، می‌باشد». [49]

انتظار می‌برفت این فریاد چون موج کوبنده‌ای اسرائیل و ابرقدرت غرب را نابود سازد اما متأسفانه تفرقه افکنی دشمنان توسط عمال مزدور منطقه و ملاهای وها بی درباری که در واقع خائن الحرمینند، رو به خمودی گرایید، با ایجاد فاجعه جمعه سیاه مکه مکرمه در سال 1366، تبلیغ روزافزون عقاید ضاله وها بیت، تفرقه میان زائران و حاجیان ایرانی و سایر کشورها و ابراز حساسیت و ایجاد فشار مصاعب بر شیعیان به خصوص ایرانی و تکفیر شیعه، تقویت پلیس و هزاران ترفند تفرقه افکن، رو به خمودی گرایید.

امام خمینی در این‌باره فرموده‌اند: «درست در زمانی که جمهوری اسلامی برای حفظ سرزمین‌های اسلامی و حراست از حرمین شریفین مسلمانان را به وحدت اسلامی دعوت می‌نماید «و يا للمسلمين» می‌گوید، از مرکز وحی برای ختنی نمودن این فریاد، پیشنهاد جهاد علیه این دعوت را کرده و به نفع آمریکا دشمن اسلام، اسرائیل که برای گفتن از فرات تا نیل و سلطه بر حرمین شریفین کوشش می‌نماید، سینه چاک می‌زنند. [50]

با وجود نقشه‌های تفرقه افکنان وها بیان و دولت‌مردان عربستان سعودی، اما خوشبختانه با گفتگوی دوستانه‌ای که با زائران بیت الحرام از هر ملیت و مذهبی، داشتم، همه به دو عامل ضعف مسلمانان اقرار می‌کردند که اولاً^۱ جهان غرب همچنان بر ما مسلمانان مسلط است و ثانیاً^۲ تفرقه میان ما مسلمانان و عدم وحدت کلمه را باعث این سلطه شده است. همه آرزوی نابودی اسرائیل را در دل داشتند. [51] امید است که این آگاهی مردم نقطه آغاز وحدت و استفاده از طرفیت‌های کنگره عظیم حج گردد و ارتش چند صد میلیونی جهان اسلام از مکه حملات خود را بر جهان آغاز کند.

برخی مناسک حج نیز وحدت‌گرایی را تقویت می‌کند و چون وقوف در عرفات و مشعر الحرام فرصلت یک شبانه روز الفت و همگرایی و به دور از هرگونه مشغله شخصی و دنیوی به حاجیان می‌دهد و همه با هم به مناجات و دعا و عبادت می‌پردازند و هر یک به زبانی امام همه با هم خدا را می‌خوانند و به فرموده امام حسین(علیه السلام) «فَإِذَا أَفْضَلْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ أَلْأَصْوَاتُ بِصُدُوفِ اللَّغَاتِ»[52] و همه در طول شب نیز با یاد و انباه خدا حول محور وحدت مسلمین یعنی اعتقاد توحیدی می‌گردند و لبیک به فرمان قرآن می‌گویند: «فَإِذَا أَفْضَلْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ إِنَّهُ أَمَّشَ عَرَفَةَ دِيْگَرَانَ رَا عَمَّا نَشَانَ مِدْهَنَدَ وَدَرَ پَا يَانَ مَنَاسَكَ عَشْقَ بَهَ خَدَ رَا چَنَدَ بَرَابَرَ وَ فَرَاتَرَ اَزَ هَرَ تَعْلُقَ دَنِيَوَيَ حَتَّى اَصَلَ وَ تَبَارَ كَرَدَهَ وَ بَهَ دَعَاهِي خَيَرَ دَنِيَا وَ آخَرَتَ بَرَاهِي خَودَ وَ دِيَگَرَانَ، حَجَ مَقْبُولَ وَ سَعِيَ مَشْكُورَ رَاهَ بَرَاهِي خَودَ رَقْمَ مِدَنِنَدَ: «فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَذَارِسَكَدَمَ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذَكَرَ كَدَمَ

وَ مَا لَهُ فِي الْأَخْرَةِ مِنْ خَلَقٍ * وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا إِلَّا نَا فِي الدُّرْجَاتِ حَسَنَةً وَ فِي الْأَخْرَةِ حَسَنَةٌ وَ فِي أَذَابِ النَّارِ أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَ الظَّاهِرُ الْحِسَابُ» [54]

4- عمره مفردہ و زیارات

(الف) عمره مفردہ از عبادات جمعی و به منزله حج کوچک است که بر خلاف حج، در طول سال قابل اتیان است. این عبادت در قرآن کریم توصیه شده است: «وَ أَتِمُّوهَا حَجَّاً وَ الْعُمُرَةَ» [55] فقهای فریقین بر مشروعيت و اهمیت آن اجماع دارند: شافعیه و حنبله و اکثر امامیه به استناد آیه فوق و احادیث آن را بر افراد مستطیع واجب و بر سایرین مستحب میدانند اما حنفیه و مالکیه فقط به استجابت مؤکد آن فتوای داده‌اند. [56]

عمره فرصت همیشگی را برای گردهما یی مسلمانان سراسر جهان فراهم می‌کند. عمره همان حکمت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... حج را داراست. بحمد الله جمهوری اسلامی ایران چند سالی تا حدودی موفق بوده است. اگر سایر کشورهای اسلامی این ابتکار را نیز اجرا کنند، امید ان می‌برود که از بحث و گفتگوهای دوستانه‌ای که میان اقوام اشار تحقیق کرده کشورها در سفرهای عمره پیش می‌آید، ضرورت وحدت اسلامی روشن‌تر و تحقق آن سریع‌تر و استوارتر انجام گیرد.

(ب) زیارات مراقد پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت(علیهم السلام)

زیارت قبور بزرگان صالح خدا مورد توجه قرآن کریم است، ما نند مسجدی که بر غار اصحاب کهف بنا شد که این مسجد با توصیه مؤمنان آن زمان انجام گرفت: «وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّمَا يُرِيدُ أَمْرِهِمْ لَنَذَّلَّهُمْ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا» [57]

دلیل دیگر بر جواز زیارت قبور صالحین آیه‌ای است که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) را از قبور منافقان نهی می‌کند: «وَ لَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مَنْهُمْ مُمْلَكَاتٌ أَبَدٌ وَ لَا تَقُومُ عَلَى قَبْرٍ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ مَا أَنْتُ بِهِمْ فَاسِقُونَ» [58] این آیه در نکوهش متخلفان از جهاد نازل شده است و خداوند آنان را در ردیف کافران قرار داده و به دلیلی که در حال گناه نفاق بردن، بر پیامبر(صلی الله علیه و آله) جایز نیست که بر جنازه‌شان نماز گزارد یا بر مزارش باشد، مفهوم آیه این است که ایستادن بر مزار صالحان

پیا مبر(صلی اللہ علیہ وآلہ) خدا به خصوص نبی مکرم اسلام(صلی اللہ علیہ وآلہ) و اهل بیت ایشان است. که زیارت آنان در زمان حیات و ممات به موجب آیه مودت واجب است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرٌ إِنَّمَا وَدَّتُ فِي الْقُرْبَى»[59] پاداش رسالت حضرت ختمی مرتبت ابراز محبت عمیق قلبی به اهل بیت ایشان است و فایده این محبت در واقع به محب باز میگردد؛ زیرا با ایجاد ارتباط عاطفی زمینه‌های تربیتی بسیاری چون الگوگیری، اطاعت و... فراهم می‌شود.

مودت مذکور در آیه، عام و مطلق است و اختصاص به بعضی از اهل بیت، دون بعض ندارد و همه زمانها را شامل می‌شود چه در حیات و چه پس از ممات. به این دلیل و به استناد روایات نبوی بسیاری، مسلمانان همه ساله پیش یا پس از مناسک حج و عمره به زیارت مرقد نبی اکرم (صلی اللہ علیہ وآلہ) و پنج تن از اهل بیت ایشان: حضرت فاطمه(سلام‌الله‌علیها)، ائمه هدی حسن بن علی، علی بن الحسین، محمد باقر و جعفر صادق(علیهم السلام) و مراقد سایر صحابه و تابعین صالح در بقیع می‌روند. در طول سال شاهدیم که صف دراز مسلمانان اعم از شیعه و سنی پشت نرده‌های بقیع و زیارت از راه دور تحریمه‌ها یی وها بیت را ناشنیده می‌نگارند.

زیارت جمعی حاجیان یاد نبی مکرم اسلام(صلی اللہ علیہ وآلہ) و اهل بیت(علیهم السلام) را که از عوامل مشترک وحدت اسلامی‌اند، زنده نگه می‌دارد.

ابراز مودت مسلمانان از صدر اسلام تاکنون به خاندان نبوت در حیات و ممات ایشان از امور مسلم بوده و تاریخ حقایق بسیاری را ثبت کرده است مانند محبت به پنج تن آل عبا[60] به عیادت زنان صحابه از حضرت فاطمه(سلام‌الله‌علیها) پس از حوادث سقیفه و عصیت فدک، اصرار مسلمانان برای شرکت در تشییع جنازه آن حضرت، شرکت همه مسلمانان حتی مخالفان سیاسی اهل بیت (علیهم السلام) در تشییع جنازه ائمه هدی: امام حسن(علیهم السلام)، شرکت همه مردم مدینه و خالی شدن مسجد النبی در تشییع جنازه امام علی بن الحسین(علیهم السلام) و حتی در تشییع جنازه امام حسن عسکری(علیهم السلام) علمای اهل سنت در قرن 4 در مدارس علمی بغداد همواره به زیارت مراقد امام کاظم و جواد(علیهم السلام) می‌رفتند و توصل می‌کردند. و در زمان ما شاهد تشریف بسیاری از زائران اهل سنت به حرم امام علی بن موسی الرضا (علیهم السلام) در مشهد هستیم.

پس بر علمای شیعه و سنی است که با بالا بردن میزان معرفت مردم به اهل بیت(علیهم السلام) و تشویق آنان به زیارت مراقد آل معصومان عمل به آیه مودت را در همه جوامع اسلامی فراگیر سازند.

دعا ساده‌ترین و دائمی‌ترین و سریع‌ترین ارتباط انسان با خداست، مقدمات، شرایط و عبادات خاصی ندارد، حتی لازم نیست بر زبان آورده شود. نزدیک‌ترین حالت بندۀ به خداست: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عَبْدًا دِيْنَ فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ»[61] ارزش اعتقادی دعا همه سطح عبادات است و تارک آن مستحق خلود در جهنم است: «اَدْعُونِي اَسْتَجِيبُ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنِ الدِّينِ سَبَدَ خُلُقُونَ جَهَنَّمَ دَاهِرِينَ»[62] دعای بندۀ مهم‌ترین عامل توجه خدا و اقبال رحمت و هدایت اوست: «قُلْ مَا يَعْبُدُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاءُكُمْ»[63]

خداوند متعال همان‌طور که به دعا توصیه می‌کند، دعاهاي بسياري را چه ابتداءاً و چه با نقل دعای بندگان صالح و مرضی‌لاش به مؤمنان می‌آموزد، از جمله دعاهاي قراني که وحدت را تقویت می‌کند دعای خیر مؤمنان برای هم‌کيشان گذشته و حال و آينده خود است. دعای خير در واقع برخاسته از اخوت و مودتی است که مؤمنان با يكديگر دارند و اين برادری را فراتر از عصر خود توسعه مي‌دهند، مؤمنان چنان‌که قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»[64] و به يكديگر مهر می‌ورزند: «مَحْمَدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشْدَّاءُ عَلَيِ الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ»[65] و اين محبت آنان را وادرار به هرگونه خيرخواهي اعم از ايثار: «وَ الَّذِينَ تَبَوَّءُهُمُ الدَّارَ وَ اُلَيْمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَحْبِبُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَحْدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مَمْمَّا أُوتُوا وَ يُؤْثِرُونَ عَلَيْهِمْ أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُجَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»[66] ملح و آشتی، دوری از کينه‌توري: «وَ الَّذِينَ جَاءُوْ مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَّا وَ لَا خَوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْأَيْمَانِ وَ لَا تَجَعَّلْ فِي قُلُوبِنَا غَلَّا لَّذِينَ ءَامَدُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ»[67] عفو و گذشت: «وَ الَّذِينَ يَحْتَدِبونَ كَيْنَرَ اُلَاثِمَ وَ الْفَوَاحِشَ وَ إِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ»[68] امر به معروفه نهي از منکر: «وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُهُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْ لَيْلَاءُ بَعْضُهُمْ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَا عَنِ الْمُنْكَرِ»[69] و... می‌کند.

دعا خالصانه‌ترین خيرخواهي است چرا که در خفا و از اعماق دل بر می‌خizد و از خالق یکتا مسئلت می‌شود. دعای خير جدای از موضوع آن همگرايی قلبی را که رکن دوم وحدت به شمار می‌اید، ایجاد می‌کند. از جمله دعاهاي مؤمنان برای برادران دینی خود موارد ذيل است:

۱- طلب آمرزش و صفائی دل: از رفتار نیک مهاجران در صدر اسلام دعای خیر برای انصار است: «وَ الَّذِينَ جَاءُوْ مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَّا وَ لَاخُوْ ازْنَّا الَّذِينَ سَبَقُوْ زَانَ بِالْأَيمَانِ وَ لَا تجْعَلْ فِي قُلُوبِنَّا غَلَّا لَتَّذْنَّا امَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» [70]

خداؤند پس از توصیف انصار به ایمان و مهروزی و ایثار به مهاجران، گروه مهاجر را به دعای خیر برای انصار توصیف می‌کند.

۲- رهایی از دوزخ: از نشانه‌های پرهیزکاران طلب آمرزش و نجات از دوزخ برای خود و دیگران است: «الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا عَامَدْنَا فَاغْفِرْ لَنَّا ذُنُوبَنَا وَ قِنَّا عَذَابَ الدَّارِ» [71]

۳- درخواست رحمت: از نشانه‌های بندگان مؤمن خدا درخواست آمرزش و رحمت برای یکدیگر است. «إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا عَامَدْنَا فَاغْفِرْ لَنَّا وَ ارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرٌ الرَّاحِمِينَ» [72]

۴- درخواست دفع شر کافران: «رَبَّنَا لَا تجْعَلْنَاهُ فِتْنَةً لَتَّذْنَّا كَفَرُوا» [73]

۵- تمامیت نور: «يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَّا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَّا» [74]

۶- درخواست شریعت سمحاء: از صفات مؤمنان درخواست قوانینی سهل و در حد توان و اغماظ از فراموشی و اشتباهات است: «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَعْذِيلْ عَلَيْنَا إِصْرَرْ كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُعَذِّمْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَّا بِهِ» [75]

۷- درخواست پیروزی بر کافران: «أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» [76]

۸- دافع انحراف و فساد عقیده: «رَبَّنَا لَا تُزِغْ فُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْنَا وَ هَبْ لَنَّا مِنْ لَّادُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَاب» [77]

۹- پاداش و نیکی دنیا و آخرت: «رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَدَةٌ وَ فِي الْآخِرَةِ
حَسَدَةٌ وَ قِنْدَانَ عَذَابَ النَّارِ» [78]

و صدها دعای خیر دیگر که مؤمنان برای خود و دیگران می‌خواهند. این دعا دلهای را به یکدیگر نزدیک و اعتقاد توحیدی را تقویت می‌کند.

دفع اتهام لعن مؤمنان از شیعه

لعن یا نفرین دعای شر و درخواست هرگونه بدی از خداست. لعن در مقابل رحمت قرار دارد. ملعون کسی است که از رحمت خدا بریده شده است. لعن در قرآن به خدا، فرشتگان، انسان‌ها اسناد داده شده است. و هر اسناد معنای مناسب خود را دارد. لعنت از خدا به معنای بدون یاور ماندن است این معنا در این آیه آمده است: «أُولَئِكَ الظَّالِمُونَ لَعْنَهُمُ اللَّهُمَّ وَ مَن يَلْعَنَ اللَّهُمَّ فَلَمَنْ تَجَدَ
لَهُ زَصِيرًا» [79]

بعضی از علمای اهل سنت و غالباً وها بیت معتقدند که لعن شیعه به برخی از صحابه و تابعین بزرگترین عامل تفرقه میان مسلمانان است. [80] و معتقدند که صحابه همه عادلند حتی افرادی جون معاویه بن ابوسفیان و پدرش، و نظر به این‌که بسیاری از معلومنان بر زبان شیعه، از نظر اهل سنت نیز مستحق لعنتند و از طرفی قائل به عدالت همه صحابه‌اند. تلاش می‌کنند که به‌طور کلی لعن به مسلمان را اعم از ظالم و عادل، کاری مخالف قرآن و سنت نبوی جلوه دهند. [81]

در ردّ این شبّهه باید گفت:

اولاً: خداوند در قرآن کریم به منافقان، طالمان، کافران، دروغگویان، یهودیان، تهمت زنان، آزار رسانان به پیامبر و مؤمنان و... لعن فرستاده است.

ثانیاً: هیچ دلیلی بر عدالت همه صحابه نداریم، آنان به جز اهل بیت عصمت (عليهم السلام) مردمی عادی بودند که با شنیدن دعوت پیامبر (صلی الله علیہ و آله) ایمان آورند و عده کثیری از آنان پس از چند سال عناد و مقاومت در برابر سپاه اسلام مانند خلیفه دوم بلکه لشکرکشی در برابر اسلام کردند مانند

عمر و ابوسفیان و معاویه و حداقل تا پیش اسلام آوردن به علت ایداء پیامبر و مؤمنان مورد لعن خداوند و فرشتگان و مؤمنان بودند. چنانکه بدرفتاری آنان در کتب تاریخی و اعلام آمده است. [82]

ثالثاً: لعن در میان صحابه بر ظالمان و منافقان لجوح از خود نیز لعن میفرستادند. برای مثال وقتی معاویه برادران عایشه همسر رسول خدا (صلی الله علیہ وآلہ) را به شهادت رساند، عایشه در مسجد بر او لعن میفرستاد. امیرمؤمنان علی به علت ظلم‌ها و کارشکنی‌ها و جنگ‌ها یی که معاویه بن ابوسفیان به پا کرد، او را در قنوت نماز لعن میکرد.

رابعاً: بسیاری از عالمان اهل سنت در زمان حاضر هم تا بعیان ظالم مانند یزی بن معاویه را لعن میکنند.

خامساً: شیعه کسی را جز ظالمان مورد لعن خدا و رسول (صلی الله علیہ وآلہ) را لعن نمیکنند.

سادساً: جهر به لعن اگر باعث تفرقه مسلمین شود، در طول تاریخ مورد انکار علمای شیعه بوده و در حال حاضر مورد منع شدید مقام معظم رهبری حضرت آیه‌تا خامنه‌ای است. و ایشان صراحتاً لعن صحابه و صحابیات بر جسته را تحریم کرده‌اند. بنا براین رفتار عوام، معیار قضاوت نیست.

در پایان به علت محدودیت زمان تنها اشاره‌ای گذرا به رفتارهای وحدت‌گرایانه در جوانب ارتباط با خود و جامعه میکنیم:

ب) رفتار با خود

بدیهی است که علت اصلی بسیاری از عداوت‌ها و اختلافات به فرموده قرآن کریم جهل و رذایل اخلاقی چون حسادت، بد گمانی، جاه طلبی، خیانت، بخل و... است که قرآن کریم تنها چاره را در تهذیب نفس و توبه و انبابه به سوی خدا میداند: «وَ زَفَّسٍ وَ مَا سَوَّئُهَا * فَأَلْهَمَهَا فِجُورَهَا وَ تَقْوَهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيَهَا * وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّئَهَا»[83] و نیز « وَ تُوبُوا إِلَي اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُمْ فَمِنْهُونَ لَعْنَتُكُمْ تُفْلِحُونَ»[84]

ج) رفتار با جامعه

انسان موجودی اجتماعی است و از ابعاد مادی و روانی به هم‌نوعان خود وابسته است. ادامه حیات و ادامه نسل بدون دیگران امکان‌پذیر نیست. جوامع نیز این‌گونه‌اند؛ لذا برای بقای جوامع رفتارهای اجتماعی همگرا ضروری است و از دیدگاه قران کریم جامعه مسلمین هم به این نوع رفتارها نیازمند است و جامعه اسلامی را به رفتارهای زیر توصیه می‌کند:

تعاون: «وَ تَعَاَوَّنُواٰۤ عَلَيِ الْبَرِّٰۤ وَ التَّقْوَىٰۤ وَ لَا تَعَاَوَّنُواٰۤ عَلَيِ الْلَّاثْمٰۤ وَ الْعُدُوِّ اَنْ» [85]

اخوت و برادری: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَآمِنُوهُمْ بَيْنَهُمْ أَخْوَىٰۤ يَكُمُّهُمْ» [86]

مودت: «مَوْمَدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالْأَذْرِينَ مَعَهُ أَشَدَّاءُ عَلَيِ الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» [87]

صلح و آشتی: «وَ إِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَطَلُواٰۤ فَآمِنُوهُمْ بَيْنَهُمْ» [88]

عدالت: «وَ أَقْسَطُواٰۤ إِنَّمَا يَعْبُدُ الْمُؤْمِنِينَ» [89]

رسیدگی به نیازمندان: «الْأَذْرِينَ يُقْرِيمُونَ الصَّلَاوةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَوْةَ» [90]

والحمد لله رب العالمين

نتیجه:

رفتارهای وحدت گرایانه در آموزه‌های قرآن کریم در سه جانب ارتباط با خدا، خود و جامعه توصیه شده است که با عمل به ازهای جوامع مسلمین به وحدت حقیقی نائل می‌شوند.

پیشنهاد:

فهرست مراجع

v كريم قرآن

1. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، (cd مکتبه اهل‌البیت).
2. ابو نعیم اصفهانی، حلیه الاولیاء.
3. الاستیعاب.
4. الإصابة في معرفة الصحابة.
5. بخاری، محمد، صحیح.
6. حر عاملی، وسائل الشیعه.
7. دار الهدی، اعتکاف برابر با نظرت آیه‌تا ناصری اصفهانی، قم، تشیع، ج 3، 1385.
8. داستانی بیرکی، علی، جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی، تبیان 19، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ج 4، 1391.
9. دفتر کنگره جهانی ائمه جمیع و جماعات، وحدت اسلامی، قم، الهدی، بی‌تا.
10. رازی، فخر الدین، مفاتیح الغیب.
11. رحمت و شفقت اهل بیت و صحابه.

- . 12. عسکری، مرتضی، نقش عایشه در اسلام.
- . 13. فتحی، شهاب الدین، تجزیه کشورهای اسلامی طرحی از برناردلوئیس، پایگاه خبری اسلام تودی، خبرگزاری فارس.
- . 14. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، دار صعب، ج 4، 1409ق.
- . 15. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، انسجام اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (آیه‌ای خامنه‌ای)، تهران، ناشر مدرن، 1386.
- . 16. مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، وحدت از دیدگاه امام خمینی.
- . 17. مغنية، محمد جواد، الفقه على المذاهب الخمسة.
- . 18. نجف آبادی منتظری، حسین علی، احکام و مناسک حج، قم، سایه، ج 4، 1428ق.
- . 19. نجفی، محمد حسن، جواهر الكلام، تحقیق عباس قوچانی، علی اخوندی، بیروت، دار احیای التراث العربي، ج 7، 1404ق.
- [1]. معجم الوجيز، ص62.
- [2]. انبیا/492.
- [3]. مومنون/452.
- [4]. رک. مجمع البيان، ج 7، ص62 و کبیر، ج 22، ص219.
- [5]. داریات/56.
- [6]. تبيان15، ص 104.

[7] . آل عمران/43.

[8] . بقره/43.

[9] . علي طباطبائي، رياض المسائل، ج4، ص201 .

[10] . تبيان 15، ص 86 .

[11] . حر عا ملي، وسائل الشيعه، ج8، ص287 .

[12] . همان.

[13] . همان.

[14] . همان.

[15] . همان/ ص301 .

[16] . همان.

[17] . جمعه 9/ .

[18] . محمد جواد مغنيه، الفقه على المذاهب الخمسه، ج1، ص120 .

[19] . همان، ص121 .

[20] . تبيان 15، ص 104 .

[21] . فتح، شهاب الدين، تجزيه کشورهای اسلامی، طرحی از برنارد لوئیس، پایگاه خبری اسلام تو دی.

. [22] . بقره/ 185.

. [23] . حج/ 27.

[24]. علي داستاني بيرکی، انسجام اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی / ص 147.

. [25] . حج/ 36.

[26]. شیخ صدوق، من لا يحضر الفقيه، ج 2، ص 43.

[27]. مجمع البيان، ج 7 و کبیر، ج 30، ذیل سوره قدر.

. [28] . آل عمران/ 19.

[29]. فضل طبرسی، مجمع البيان، همانجا؛ فخرالدین رازی، تفسیر کبیر، همانجا.

[30]. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، باب اعمال شب قدر.

. [31] علي داستاني بيرکی، انسجام اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی / ص 148.

. [32] . بقره/ 125.

[33]. محمد حسن نجفي، جواهر الكلام، ج 17، ص 159.

[34]. محمد جواد مغنیه، الفقه على المذاهب الخمسة، ج 1، ص 756.

. [35] . همان.

[36]. گفتگو با معتکفان.

[37]. دارالهدي، اعتكاف ابرار، ص30.

[38]. محمد بن يعقوب كليني، اصول کافي، ج 2، ص 18؛ محمد بخاري، صحيح، ج 1، ص 7.

[39]. آل عمران/ 97.

[40]. حج/ 28.

[41]. فخرالدین رازی، تفسیر کبیر، ج11، ص114.

[42]. محمد بن يعقوب كليني، اصول کافی، ج8، ص612.

[43]. حسين علي نجف آبادي، احکام و مناسك حج، ص17.

[44]. حر عاملی، وسائل الشیعه، کتاب حج.

[45]. کوبیدن پا بر زمین همگام طواف به منظور نما میش توان نظامی

[46]. تبيان، 15، ص 242.

[47]. توبه/3.

[48]. مجمع البيان، ج3، ص9.

[49]. تبيان، 15، ص 235.

[50]. تبيان، 19، ص 212.

[51]. سفر عمره نویسنده سال 1386.

[52]. مفاتيح الجنان، دعاء عرفه.

[53]. بقره / 198.

[54]. بقره / 201 و 202 و 200.

[55]. بقره / 196.

[56]. الفقه على المذاهب الخمسة، ج 1، ص 201.

[57]. كهف / 21.

[58]. توبه / 84.

[59]. شوري / 23.

[60]. ر.ک: فضائل الخمسة، هر سه جلد.

[61]. بقره / 186.

[62] غافر / 60.

[63]. فرقان / 77.

[64]. حجرات / 10.

[65]. فتح / 29.

[66]. حشر / 9.

. حشر / . [67]

. شوري / . [68]

. توبه / . [69]

. حشر / . [70]

. آل عمران / . [71]

. مؤمنون / . [72]

. ممتحنه / . [73]

. تحريم / . [74]

. بقره / . [75]

. همان . [76]

. آل عمران / . [77]

. بقره / . [78]

. نساء / . [79]

[80]. www.sunny.com

. همان . [81]

[82]. ر.ك: تاريخ ابن عساكر، الاستيعاب، حلية الاولياء الاصابه.

.10 - 7 . شمس / [83]

.31 / نور . [84]

.2 / مائدہ . [85]

.10 / حجرات . [86]

.29 / فتح . [87]

.9 / حجرات . [88]

. همان . [89]

.55 / مائدہ . [90]